



ماه گذشته دولت آقای پزشک‌یان نتوانست موازنه‌سازی کند. این امر یعنی یا دولت در یارگیری که اقتضای امر سیاسی است ضعیف است و نمی‌تواند جامعه را پشت سر خود نگه دارد، حالت دیگر این است که احتمالاً در درون حکومت هم دولت ناتوان از یارگیری است تا بتواند این موازنه‌سازی را انجام دهد.

اما درون ساختار یا نیروهای نزدیک به ساختار، امروز نشانه‌هایی دیده می‌شود که نگاه متفاوتی دارند. به عنوان مثال امروز دیدگاه‌های امثال علی لاریجانی، بهزاد نبوی یا محمدرضا باهنر بسیار به هم نزدیک شده است و این دو طرف که در دهه ۱۳۷۰ به یکدیگر باهم جدل می‌کردند، حالا مواضع آنان تعدیل شده است.

امروز بستر کنش‌های سیاسی عوض شده است و مسأله، دیگر آن دو جناح سیاسی نیست. آن دو جناح در دهه ۱۳۷۰ می‌خواستند یکدیگر را حذف کنند، اما از دل فرآیند حذفی آنان یک جریان پر قدرت و پرتوتی خلق شده که محصول اقتصاد رانته دهه ۸۰ و ۹۰ است. حالا این جریان پر قدرت است که می‌خواهد آن دو جریان اصولگرا و اصلاح‌طلب را حذف کند. برای همین است که شعار براندازان مبنی بر اینکه «اصلاح‌طلب-اصولگرا دیگه تمومه ماجرا» در داخل هم پژواک‌هایی دارد و برخی آن را عملاً دنبال می‌کنند.

منظور از سخن سیاسی روایتی است که وضع موجود را ترسیم می‌کند و تصویری از آن ارائه می‌دهد، از گذشته‌ای سخن می‌گوید و آینده‌ای می‌سازد تا افراد بتوانند خود را در نسبت با این گذشته، امروز و آینده تعریف کرده و هویت‌یابی کنند و جایگاه خود را در نظم سیاسی که از آن سخن گفته می‌شود، پیدا کنند. در کلمه «وفاق» مواردی که برشمردم یافت نمی‌شود. اساساً انسان حیوان قصه‌گو است و در قصه است که افراد جایگاه خود را پیدا می‌کنند. بزرگ‌ترین قصه‌ای که جوامع را به حرکت در می‌آورد، قصه سیاست است. فردوسی قصه‌ای گفت که امروز هزار سال است این قصه به ایرانیان هویت و شخصیت می‌دهد یا زبان فارسی را زنده نگه می‌دارد

توازن قوا برای شکل‌گیری مذاکره مطرح می‌شود. به طور کلی به باور من طرف مقابل رئیس‌جمهوری، یعنی نیروهای دیگر سیاسی، حاضر نیستند پای میز مذاکره بنشینند. ادامه این وضعیت، می‌شود همان چیزی که آقای عباس عبدی در یادداشت خود اشاره کرد، یعنی تقلیل امر سیاسی به امر بوروکراتیک. اساساً یکی از ویژگی‌ها و نیازهای امر سیاسی، یارگیری است. دولت احتمالاً در یارگیری برای ایجاد توازن در وفاق مقابل جریان و نیروی پدیدآمده پس از سال ۸۴ کم آورده است.

آقای پزشک‌یان نه آقای خاتمی است نه آقای روحانی. آقای پزشک‌یان به لحاظ شخصیت سیاسی و سرمایه اجتماعی، فاقد سرمایه‌ای است که آقایان خاتمی و روحانی داشتند. به همین دلیل و به دلیل رویکرد اعلام شده از سوی آقای پزشک‌یان احساس می‌کردیم همان‌طور که رهبری هم تأکید کردند، با دولت پزشک‌یان همکاری شود. مسأله اصلی در هر سیاست یا استراتژی به موازنه‌سازی برمی‌گردد، اما موازنه‌سازی از نوع مهار متقابل که نه طرف مقابل تو را تهدید کند و نه تو او را تهدید کنی. زیرا اگر هر یک از طرفین احساس تهدید داشته باشند واکنش نشان خواهند داد. زمانی که طرف مقابل قدرتی دارد که می‌تواند جایگاه تو را تهدید و متزلزل کند، مسأله بغرنج‌تر می‌شود. در شش

